

ملاحظه توجه نماید که آیا باید بقاعده نظم عمومی متوسل شود یا خیر؟

بنظریه بالا بعضی ها این انتقاد را مینمایند که چگونه میتوان این اختیار بسیط را بداد رس و گذار نمود البته این ایراد وارد نیست زیرا هیچکس صالح تر از دادرس برای تشخیص این موضوع نیست دادرسی که صلاحیت رسیدگی بکلیه دعاوی را دارد و قوانین مملکتی را بموقع اجراء میکند و قاتل و دزد را تشخیص و حدم مجازات اعدام یا حبس صادر مینماید چگونه میتوان گفت که مشار- الیه قابل اعتماد برای تشخیص موارد نظم عمومی نیست یا شخص صالح تر از مشار الیه برای این تشخیص ممکن است

نصور نمود؟ داد رس است که میتواند تشخیص دهد که آیا اجرای قانون اجنبی باعث اختلال نظم جامعه خواهد شد یا خیر و کمتر اتفاق افتاده که در این تشخیص دادرس اشتباه نماید ولی بعض اوقات در سان در مواقعی هم که قوانین آمره عمومی مملکتی را به موقع اجراء میکند تصور میکنند که بتوسل بقاعده نظم عمومی قوانین مزبور را اجراء کرده اند در صورتی که چنانچه سابقاً اشاره نمودیم این خیال بیهوده است و صلاحیت قوانین آمره جهت اجراء مسلم و احتیاج توسل بملاجی برای اجرای قوانین آمره نیست

یا بیان . خسرو اقبال

اعدام

قانون مجازات اعدام را که اقصی درجه مکافات است در رأس تمام مجازاتها قرار داده و اعدام مخصوص بزه هائیت است که از حیث مخاطره و اهمیت حائز درجه اول میباشد.

از بدو تاریخ مجازات اعدام در قوانین جزائی وجود داشته فقط طریقه اجرا و قلمرو اعمال آن مورد تغییرات واقع گردیده و مورد اعمال این مجازات روز بروز محدودتر شده و میشود.

در حقوق قدیم فرانسه سلب حیات اکتفا نشده و قبل از اعدام محکوم را با طرز هولناک و رقت آوری مورد شکنجه و عذاب قرار میدادند مجموعه قوانین جزائی ۱۷۹۱ زجر و شکنجه را قلعن نموده و مقرر داشت که مجازات اعدام بغیر از سلب حیات متضمن هیچ قسم عذابی نخواهد بود. گرچه مجموعه قوانین جزائی ۱۸۱۰ عذاب را در حق پدرکش مجدداً برقرار نموده و بلافاصله قبل از اعدام دست راست پدرکش را قطع میکردند لکن این زجر آخری نیز در نتیجه اصلاح و تجدیدنظر ۱۸۳۲ موقوف و بجای آن داغ کردن برقرار گردید. امروزه در فرانسه مجازات اعدام متضمن

هیچگونه زجر و شکنجه نبوده و تنها مجازات بدنی می باشد.

تاریخ مجازات اعدام

تمدن بشریت تدریجاً اجراء مجازات اعدام را محدود و مجازات اعدام در قرن ۱۸ تحت تأثیر فلسفه واجع بانسان Philosophie Humanitaie تنزل فاحشی نمود لکن در دوره شورش فرانسه عکس العمل فلسفه مزبور بمنصه ظهور رسید.

مجازات اعدام در حقوق قبل از انقلاب در ۱۱۵ مورد قابل اعمال بوده و مجموعه قوانین جزائی ۱۷۹۱ موارد را به ۳۲ مورد تنزل داد و تصویب نامه ۱۴ برومر سال چهارم انقلاب مجازات اعدام را برای آینده یعنی موقعی که صالح بر قرار شود حذف نمود لکن تصویب نامه مزبور بموقع اجرا گذارده نشد تا اینکه قانون ۸ نیوز (Carpozav) سال ۱۰ مقرر داشت که مجازات اعدام در موارد مصرحه در قانون قابل اجرا خواهد بود.

در ابتدای وضع قانون جزای حاضر یعنی در ۱۸۱۰ مجازات اعدام در ۳۶ مورد ابقا و مجموعه قوانین جزائی

۱ - حق اعدام کیفیات مخففه که در سال ۱۸۳۲ به هیئت منصفه تفویض شد و از این اختیار هیئت منصفه بیش از پیش استفاده کرد.

۲ - حق عفو که از امتیازات رئیس جمهور است و از این حق نیز رؤساء جمهور مخصوصاً ماک ماهون (Mac Mahon) و فلیکس فور «Félix faure» و لوت «Lau bet» استفاده کردند.

بنظر میرسد که مجازات اعدام که در عمل تقریباً از بین رفته بود از قانون هم حذف میشود لکن از روزیکه پیشنهاداتی در زمینه حذف مجازات اعدام داده شد قوانین جدیدی نیز مثل قانون ۱۸۸۵ روی نفی بلد و قانون

۱۸۹۱ راجع به تعلیق وضع شد جنایتهای زیادی بوقوع پیوست و باعث شد که هیئت منصفه عده زیادی را به مجازات اعدام محکوم نمایند و عده این محکومین که در ۱۹۰۲ نه نفر بود در ۱۹۰۳ به پانزده و در ۱۹۰۴ به ۱۶ رسید.

گرچه در سال ۱۹۰۶ طرح قانونی راجع به حذف مجازات اعدام به مجلس پیشنهاد گردید لکن طرح مزبور در ۸ دسامبر در نتیجه نظریه غیر مساعد مسیو کروپی Gruppi به اکثریت آراء [۳۳۰ رای در مقابل ۲۰۰ رای] رد شد و در هشت ماه اول سال ۱۹۰۷ عده محکومین باعدام

بالغ بر ۵۲ گردید. فردای جنگ تعداد محکومین باعدام زیاد تر شد لکن افزایش مزبور موقتی بنظر میرسد چنانکه عده محکومین که در سال ۱۹۲۱ شصت نفر بود در سال ۱۹۲۲ به ۴۲ و در ۱۹۲۳ به ۳۹ رسید.

بالجمله تمدن و تذهیب اخلاق روز بروز تنفر بیشتری نسبت به مجازاتهای خونی نشان میدهد و این قیدل مجازاتها فقط با قوانین ابتدائی قدیمه و حالت روحیه ملل و اقوام خشن و غیر رشید وفق دارد.

مجازات اعدام در حال الغاء تدریجی است و بهمین جهت در الغاء قانونی آن چندان عجله نمیشود.

۱۸۱۰ مجازات اعدام را حتی درباره مرتکبین جنایاتی که موجب سلب حیات انسانی نگردیده بودند نیز مجری دانسته بود مثلاً در مورد کسیکه مرتکب ساختن سکه قلب گردیده بود لکن قانون ۲۸ آوریل ۱۸۳۲ مجازات اعدام را در ۹ مورد مثل سرعت، قرون بازار و سکه قلب از بین برد و نیز در ۱۸۳۲ قانونگذار بهیئت منصفه حق داد که در صورت وجود علل مخففه گناهکار را بمجازات خفیف تری محکوم نمایند. در سال ۱۸۴۸ طبق عقیده کیزو Guizo ماده ۵ قانون اساسی ۴ نوامبر مجازات اعدام را در مورد بزه های سیاسی از بین برد و بالاخره قانون ۲۹ نوامبر ۱۹۰۱ مجازات اعدام را درباره مادری که بچه خود را کشته بود الغاء نمود.

امروزه اعدام فقط درباره اشخاصی مجری میشود که مستقیماً و یا بطور غیر مستقیم لطمه بحیات انسانی وارد آورند سوزاندن خانه که عده در آن سکونت دارند و شهادت دروغی که موجب صدور حکم محکومیت باعدام و اجرای آن درباره شخصی گردیده است از جمله جنایاتی هستند که مجازات آنها اعدام است معذک قوانین جزائی مجازات اعدام را در موارد تکرار بزه و قوانین نظامی در مورد جلسوسی نیز مجری دانسته است و امروزه برای اعدام در مجموعه قوانین جزائی ۱۴ مورد و در مجموعه خارج از مجموعه مزبور ۶ مورد یعنی مجموعاً ۲۰ مورد وجود دارد.

اجرای مجازات اعدام در زمان قدیم و دوره حاضر از حیث تعداد اختلاف فاحشی باهم دارند در قرن ۱۷ «Carpzov» قاضی عالیقدر فرانسه اقتضار مینمود که بیش از بیست هزار نفر را محکوم باعدام کرده است لکن در قرن ۱۹ عده آنها تنزل فوق العاده نموده و از ۳۶۰ به ۳۳ (از ۱۸۲۶ - ۱۸۸۰) رسید.

مجازات اعدام بکمک قوه قضائیه و مجریه نیز تنزل کرد بدین توضیح که بدو وسیله قانونی ذیل به موارد مجازات اعدام با يك طرق نامحدودی تقلیل و تنزل داده شد:

عقاید علمای حقوق

در قرون وسطی اجرای مجازات اعدام با اینکه به عقاید الهام شده از عیسویت برمیخورد و میگویند که کلیسا از خون تنفر دارد معذک مجازات اعدام مدافعینی حتی بین بزرگان کلیسای مسیح داشت. سن تو مادا کن که معلم خداشناسی در یاریس و رم بود مجازات اعدام را وقتی مشروع میدانست که نگهداشتن جانی در جامعه جهت اصلاح خطر ناک باشد سن تو مادا کن میگوید اشخاصی که ممتد به حمایت از یک جانی خطر ناک بوده و او را در جامعه نگاه میدارند بیکدمه بیگناه را فدای احساسات و عقاید غلط خود مینمایند.

ژان ژاک روسو برای اثبات مشروعیت مجازات اعدام بمقررات قرار داد اجتماعی ادعائی خود استناد کرده و میگوید که اختیار واگذاری یا عدم واگذاری حیات یکی از اختیارات طبیعی است که اشخاص از راه قرار داد اجتماعی در دست جامعه گذاشته اند و این همه را هم بجانی نکرده اند بلکه بخشش مزبور را در عوض تضمیناتی که از طرف جامعه (در مواردیکه زندگی آنها در خطر بیفتد) شده است نموده اند.

بکار یا عقیده ژان ژاک روسو را قبول نکرده و معتقد نمیباشد که انسان پیشاپیش بتواند از حق حیات دست بکشد اگر چه مشروط هم باشد بکار یا مجازات اعدام را در دوره های اغتشاش سیاسی یعنی در مواقع جنگ مشروع میدانند لکن در مواقع صلح مخالف مجازات اعدام میباشد و این عقیده موافق با عقیده نیتام است.

اختلافات مزبور بین Positivistes نیز موجود است لو برورز با مجازات اعدام موافق میباشد زیرا مجازات اعدام را وسیله حتمی برای از بین بردن جانپهای بالفطره میدانند.

کارو فالو از نظر تصفیه نژاد با مجازات اعدام موافق و مخصوصاً معتقد است که مجازاتهای اعدام که دسته دسته در قرن ۱۶ و ۱۷ اجرا شد اثرات و نتایج خوبی داشته

است بالعکس فری Ferri مخالف با مجازات اعدام است بعقیده او مجازات اعدام عبرت و ترس برای جامعه ایجاد نکرده و این اثر خوب را نخواهد داشت مگر اینکه به نسبت زیادی اجرا شود که این نسبت هم مخالف احساسات و وجدان و اخلاق قرن معاصر است.

چگونگی مجازات اعدام در حال حاضر

امروزه مجازات اعدام در اغلب ممالک اروپا، فرانسه و انگلستان و آلمان وجود دارد مع هذا فکر حذف مجازات اعدام در آلمان قبل از جنگ بمنصه ظهور رسیده بود و امروزه در انگلستان با انرژی زیادی در صدد حذف آن میباشند. عده ممالکی که مجازات اعدام را عملاً از بین برده و یا از قوانین خود حذف نموده اند روز بروز بیشتر میگردد.

مجازات اعدام در دانمارک و بلژیک قبل از جنگ عملاً از بین رفته و از سال ۱۸۶۲ عادت بر این جاری شده است که عملاً مجازات اعدام را اجرا نکنند. اگر چه مجازات مزبور در مجموعه قوانین ۱۸۶۸ وجود دارد پادشاه بلژیک مطابق رویه مذکور در ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۳ مجازات قاتلین ستوان Graff را که آلمانی بودند یکدرجه تخفیف داد.

در ممالکی که مجازات اعدام قبل از جنگ از بین رفته ممالک هلند و رومانی از ۱۸۶۴ و ممالک پرتغال (از ۱۸۶۶) و بالاخره بعضی از کاتن های سویس میباشند. طبق ماده ۶۵ مجازات اعدام در مشروطیت فدرال ۲۶ مه ۱۸۷۴ حذف شده بود ولی در اثر مشاجرات و مباحثات زیادی برای برقراری آن مقررات جدید مشروطیتی در مه ۱۸۷۹ بوجود آمد که به کاتن ها حق میداد که در مرتبه مجازات اعدام را برای جنایات عادی برقرار نمایند و بدین نحو کاتن های زریج و لوسرن Lucerne مجازات اعدام را قبول ولی کاتن های nef châtel در ژنو آن را قبول نکرده اند.

ب - مخالفین مجازات اعدام بعضی نتایج حاصله از آن را مذموم و بجهت ذیل مجازات مزبور را مردود دانسته‌اند:

۱ - اعدام يك مجازات غیر قابل جبرانی است بدین توضیح که ممکن است بعد از اجرای مجازات اعدام معلوم گردد که حکم محکومیت مبتنی بر خطا و اشتباه قضائی بوده است - گرچه ایراد مزبور وارد است لکن ایراد مزبور نه تنها نسبت به مجازات اعدام بلکه نسبت به مجازاتهاییکه سلب آزادی مینمایند نیز وارد است چه مجازاتهای سلب آزادی نیز قابل مرمت و جبران نبوده و اقامت در زندان نیز ممکن است موجب خطر برای سلامتی و حیات محبوس باشد. در صورتیکه بجامعه حق داده باشیم که گناهکاران خطر ناک و متجری را وسیله مجازاتهای ابدی طرد نموده و بدینوسیله دفع شر نماید چه ضرر دارد که این دفع بطور ساده تر و کم خرج تر یعنی بوسیله اعدام انجام گیرد؟

۲ - اعدام تنبیه ظالمانه و مطلقاً بوده و درد حاصله از آن متناسب با شدت بزه او تکلیفیه نمیباشد چه آنکه اعدام حدی ندارد - لکن ایراد مزبور نسبت به مجازاتهای حبس ابد نیز وارد است.

۳ - مجازات اعدام تنبیه بیفائده است و اثر «Voltaire» میگوید که یکنفر مصلوب وجود بی مصرفی است - لکن به تجربه ثابت شده است که از وجود يك نفر محکوم به حبس ابد نیز فائده مترصد نبوده و منافع مادی که از کار و عمله گی این قبیل محبوسین بدست میاید بمراتب ناآلتر از مخارجی است که دولت برای نگاهداری آنان منحمل می شود.

مواقبن الغاء مجازات اعدام میگویند که مجازات اعدام جنایتکاران بزرگ را ارعاب نمی نماید چه عده زیادی از جانیهای بزرگ قبلاً وجود داشته و در موقع اجرای مجازات اعدام نیز حضور داشته اند معذک مجازات مزبور در آنها ایجاد بیم و هراسی ننموده است.

درنروز مجازات اعدام در مجموعه قوانین جزائی ۱۹۰۳ حذف شد و در اثریش از ابتدای جنگ بواسطه قانون ۳ آوریل ۱۹۱۹ از بین رفت در سوئد قانون ۱۷ ژوئن ۱۹۲۱ آنرا حذف و در جمهوری آرژانتین نیز از بین رفت.

در ایطالی که مجازات اعدام در مجموعه قوانین جزائی ۱۸۸۹ حذف شده بود مجدداً در ۲۵ نوامبر ۱۹۲۵ برقرار و مخصوص مرتکبین جنایات سیاسی گردید و طرح قانون مجازات «Rocco» دو مرتبه آنرا برای جنایات خیلی بزرگ عادی (جنایات غیرسیاسی و نظامی) برقرار نمود. در قرن شانزده اظهارات توماس موروس «Tomas Morus» تردیدی در فوائد مجازات اعدام تولید نمود ولی مخالفت حقیقی در قرن ۱۸ از طرف بکاربا «Beccaria» شروع شده و پس از قرنی مباحثه و مجادله فعلاً هم بجائی نرسیده است زیرا هنوز در معنی «مشروعیت مجازات» توافق نظری حاصل نشده است.

مخالفین مجازات اعدام برای از بین بردن آن عقاید متحدی نداشته و روی يك زمینه دفاع ننموده اند و خلاصه عقاید آنها بشرح زیر است:

الف - عده از طرفداران الغاء مجازات اعدام عقیده خود را باین مستند میکنند که باید مجازاتها فقط با اموال و حقوقی که از طرف جامعه اعطاء شده است وارد بیاید و میگویند که چون حیات را جامعه بانسان نداده نمی تواند آنرا هم از او بگیرد.

سن توماواکن میگوید در صورتیکه عقیده فوق را بپذیریم نتیجه باید اذعان بکنیم که نه تنها مجازات اعدام مجازات نامشروعی است بلکه حبس نیز که متضمن سلب آزادی است نامشروع می باشد چه همانطور که حیات را جامعه بخشیده آزادی نیز از طرف جامعه با افراد اعطا نشده است. بشر حق آزادی دارد همانطور که حق حیات دارد لکن این حق آزادی برای حفظ حقوق سایرین محدود شده است.

مخالفین مجازات اعدام میگویند اگر قبول بکنیم که (مجازات مشروع مجازاتی است که آسایش عامه ایجاب مینماید و همینکه لزوم يك مجازات از بین رفت دیگر آن مجازات مشروع نیست) باید اذعان بکنیم که در این صورت مشروعیت مجازات اعدام نیز مورد تردید است چه جای انکار نیست که حذف تدریجی قسمت زیادی از موارد اعدام که متدرجاً از ۱۱۵ فقره تنزل نموده است سبب ترقی مجرمیت خونین نگردیده بلکه تنزلی در آن مشاهده شده است در صورتیکه الغاء قسمتی از موارد اعدام نتیجه بدی نداده است نباید تصور کرد که از الغاء کلی و تمام آثار سوئی حاصل خواهد شد. هیچیک از دلایل مذکور فوق دلایل قطعی بنظر نمیرسد زیرا هرگز نمیتوان گفت که مجازات اعدام انسان را بوحشت نمی اندازد لیکن باید ثابت کرد نرس ورعی که از نظر مجازات احتمالی دوری به گناهکار مستولی میشود از وقوع بزه جلوگیری نموده و مجرمیت را از بین میبرد برای اثبات این موضوع عده اشخاصی را که اصلاً منظره اجرای مجازات اعدام از عمل و رفتار بدو مجرمانه شان منحرف نکرده است میشمارم لیکن عده اشخاصی را که منظره مزبور و بیم و هراس مجازات اعدام آنها را از عمل بدشان منحرف کرده است نمی شمارم. از طرف دیگر از ملاحظه آماری که نتایج نسخ مجازات اعدام را نشان میدهد نیز دلیل قطعی بر اینکه آیا بطور کلی نسخ مجازات اعدام بعده گناهکاران افزوده است یا نه بدست نمی آید تا نتیجه عقیده مخالفین مجازات اعدام مشعر بر اینکه « چون در ممالکی که اعدام ملغی شده است خطر بیکه آسایش عامه را تهدید مینماید شدید تر از پیش نگردیده و سکنه در ستکار و صدیق ممالک مزبور بیشتر از جاهای دیگر مورد حمله اشرا و جنایتکاران واقع نشده اند نباید تصور کرد که الغاء مجازات مزبور در سایر ممالک نیز متضمن مضار و نتایج سوئی خواهد بود » مورد قبول واقع گردد چه آنکه در ممالک مزبور مجازات اعدام قبل از نسخ قانونی عملاً بعلت تنزل فاحش قبلی مجرمیت از بین رفته بود.

بنظر میرسد که در کلیه مشاجرات و مباحثاتی که در اطراف مجازات اعدام بعمل آمده احساسات دل مهمی و اعده دار بوده است - مخالفین مجازات اعدام آنرا تنبیه تنفر آوری پنداشته و معتقدند که روش و عادات متمدن را لکه دار مینماید از خود سؤال میکنند که آیا دفاع از جامعه و لزوم دفاع مزبور ما را مجبور نخواهد کرد که در صورت نسخ مجازات اعدام به تنبیه تنفر آورتری متوسل شویم؟ و نجی که از مجازات اعدام حاصل میشود مختصر و کوتاه است بین این دو: [« کشتن بدون رنج دادن » و « رنج دادن بدون کشتن »] معلوم نیست که دومی تنفر آورتر از اولی نباشد.

جانشین کردن مجازاتی بجای مجازات اعدام

ی

اجرای مجازات اعدام

چندین راه حل برای جانشین کردن مجازاتی بجای مجازات اعدام در نظر گرفته شده است :

۱- میتوان بجای مجازات اعدام مجازات دیگری گذاشته و در مواردیکه قانوناً بایستی مجازات اعدام اجرا شود مجازاتی را که در قانون بلافاصله بعد از اعدام ذکر شده است اعمال نمود مجازات مزبور حبس مؤبد با اعمال شاقه است که جانشین مجازات اعدام میگردد این راه حل در فرانسه در سال ۱۹۲۳ موقمیکه مجازات اعدام در مورد چند جنایت حذف شده بود بنظر رسید .

ترتیب مذکور فوق نتیجه سوئی دارد و آن اینست که بمقدار خطرناکی از میزان رعب و وحشت مجازات کاسته میشود - مجازات حبس مؤبد با اعمال شاقه بقدر کفایت مرعب نمیشود و این حبس ابدی نیست مگر اسماً و محکوم بحبس با اعمال شاقه همیشه امید وار است باینکه روزی مورد عفو واقع شده و یافرار خواهد کرد .

۲- ممکن است بجای اعدام مجازات دیگری گذاشت که نسبت بمجازات حبس مؤبد با اعمال شاقه شدید تر باشد در فرانسه در سال ۱۸۴۸ پس از آنکه مجازات اعدام در

مورد تقصیرات سیاسی حذف کردند مجازات تبعید در قلاع مستحکم را بجای آن برقرار نمودند - در ممالکی که این رویه عملی شده است در مورد بزبهای معمولی یعنی بزبهای غیرسیاسی و نظامی بجای مجازات اعدام مجازات سالب آزادی که بلافاصله بعد از اعدام در ردیف مجازاتها ذکر شده و بایک دوره حبس مجرد تشدید گردیده است اجرا می شود - این دوره حبس مجرد در بلژیک ۱۰ سال و در ایتالی شش سال است .

در فرانسه مجازات اعدام بموجب طرحی که در سال ۱۹۰۶ پیشنهاد گردید تبدیل میشد بدو دوره حبس که دوره اول ۶ سال حبس مجرد و دوره دوم حبس ابد بود و در دوره دوم یعنی بعد از انقضاء مدت ۶ سال حبس مجرد هم محبوسین میبایستی روزها مشترکاً کار کرده و شبها منفرداً زندانی باشند *

این رویه مصون از ایراد نیست چه اگر منظور از حبس مجرد افراد مطلق و حقیقی بوده و محبوس حق ملاقات با اشخاص و ادا داشته باشد رویه مزبور چندان شدید نخواهد بود و اگر برعکس مقصود از حبس مجرد حکومت مطلقه يك افراد حقیقی و واقعی باشد محبوس سر بعملاً دیوانه شده و نتیجه اعمال رویه مذکور سخت تر از اجراء مجازات اعدام خواهد بود *

طریقه اجرای مجازات اعدام

در فرانسه بموجب ماده ۱۲ قانون مجازات باید سر محکوم از بدنش جدا شود این عمل بوسیله گیوتین اجرا میشود گیوتین را یکی از نمایندگان مجلس مؤسسان که اسمش گیوتین بود اختراع کرده است مشارالیه در اول دسامبر ۱۷۸۹ از ماشین خود بدین نحو تعریف میکند « من در يك چشم بهمزدن سر شما را از تن جدا میکنم که هیچگونه رنج و دردی احساس ننمائید » گیوتین در ۲۰ مارس ۱۷۹۹ مورد قبول واقع شد و مخصوص است با اشخاص غیر نظامی و طریقه اعدام نظامیان تیر باران است * سابقاً در تمام موارد

نظامیان محکوم با اعدام را تیر باران میکردند لکن قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۱۱ مقرر داشته است که نظامیانی که در حال صلح بواسطه ارتکاب به جنایات حقوق عادی محکوم با اعدام شده اند بدست مأمورین غیر نظامی و مانند آنها بوسیله گیوتین اعدام شوند و برعکس اشخاص غیر نظامی که در موقع جنگ « حکومت نظامی » از طرف دادگاههای نظامی محکوم شده اند با ترتیبات نظامی یعنی وسیله تیر باران اعدام شوند - پس امروزه صفت محکوم و نوع بزه در تعیین طرز اجرای مجازات اعدام دخالتی نداشته بلکه نوع دادگاه صادرکننده حکم طرز مجازات اعدام را معین می نماید *

طرز اجرای مجازات اعدام بر حسب ممالک متفاوت است در ایران و انگلستان وسیله دار و در آسیای وسیله خفه کردن در امریکا وسیله برق در نوادا « Nevada » از ابتدای آوریل ۱۹۲۲ وسیله خفه کردن موقیمکه محکوم خوابیده است اجرا میشود *

محل اجرای مجازات اعدام

مجازات اعدام در یکی از میدانهای عمومی شهری که در حکم دادگاه معین شده است اجرا میشود باستثنای روزهای یکشنبه و اعیاد ملی و مذهبی - تعیین شهر با محکمه جنائی است و معمولاً مجازات در شهری اجرا میشود که محکوم در آن شهر زندانی است - اعدام در حین طلوع آفتاب اجرا شده و باید علنی و بدون تشریفات باشد در فرانسه فقط در باره یدرکش مختصر تشریفات مقرر شده و این قسم قاتل را باید بایای برهنه و يك نقاب سیاه ببالای ماشین اعدام برده و پس از آنکه حکم قرائت شد مجازات اجرا گردد *

در انگلستان اجرای مجازات اعدام علنی نبوده و در داخل زندان بعمل میآید گرچه در فرانسه اجرای مجازات اعدام طبق قانون علنی است لکن عملاً علنی بودن آن صورت واقعی نداشته و مجازات مزبور قبل از طلوع آفتاب انجام گرفته و ماشین مجازات را هم در سطح زمین قرار میدهند و همه کس آنرا نمیبینند و علاوه بواسطه اقداماتی که برای حفظ انتظامات بعمل میآید تماشاچیان دور میشوند *

عرفی و در بعض موارد مصرحه قانون متضمن ضبط کلیه اموال بود. ضبط اموال را فرمان سلطنتی ۱۸۱۴ و ارتداد عرفی و قانون ۳۱ مه ۱۸۵۴ الغاء نمود طبق قانون اخیر الذکر ارتداد عرفی در مجازاتهای تهریمی بمجازاتهای تبعی ذیل تبدیل شده است: محرومیت از حقوق اجتماعی و سبانی، حجر قانونی، عدم اهلیت برای تصرف در اموال خود و قبول هبه و صلح غیر معوض، بطلان وصیت نامه که قبل از محکومیت نوشته شده باشد. بدیهی است که درباره شخص محکوم با اعدام فقط دو مجازات تبعی اخیری صورت خارجی دارد: اموال معدوم مطابق قانون تقسیم شد و اگر وصیت نامه داشته باشد بموقع اجرا گذارده نمیشود. يك قسم مجازات تبعی دیگری نیز وجود دارد و آن عبارتست از اعلان يك نسخه از حکم محکومیت در نقاط ذیل:

- ۱- در حکومت نشین ایالت *
- ۲- در شهری که دادگاه در آن واقع است *
- ۳- در محل وقوع بزه *
- ۴- در محل اجرای مجازات *

رضانجیبی

چون اعدام علنی برای بعضی از جنایت کاران بمنزله فرصتی است که بتوانند تا آخرین نفس بی شرمی خود را بمنصه ظهور رسانند و يك بار دیگر در مقابل جامعه عرض اندام نمایند و نیز نتایج اخلاقی و تولید عبرتی که از اعدام علنی انتظار میرود در عمل دیده نشده است و اجرای این مجازات در آذهان ناظرین بجای نفرت تولید ترحم و شفقتی در حق محکوم مینماید تصور می رود اجرای مجازات مزبور در داخل زندان و بطور غیر علنی شایسته تر باشد *

در فرانسه جنازه کسیکه مجازات اعدام در باره او اجرا شده در صورت درخواست بخانواده او داده می شود مشروط بر اینکه او را بدون هیچگونه تشریفات دفن کنند. جنازه معدومین در صورت نبودن فامیل برای آنها و با اعدام درخواست خانواده آنها در لا براتوار در معرض امتحان قرار میگیرند. بالاخره طبق عادتی که از حقوق قدیم رم باقی مانده است هر گاه محکوم با اعدام زن حامله بوده و حامله بودن خود را ثابت نماید تا وضع حمل مجازات او تعلیق میشود چه شایسته نیست که از طفل بیگناهی سلب حیات شود *

مجازاتهای تبعی اعدام

ساق بر این محکومیت با اعدام همیشه متضمن ارتداد

«پایان» مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی